

حاجی بخشی آسمانی شد

مریم جمشیدی / گروه سیاسی

از دست بدهند. به خصوص که رادیو بغداد نیز با خوشحالی خبر داد حاجی بخشی را کشته‌اند. اما حاجی بخشی بعد از بهبودی به جبهه بازگشت و بلند اعلام کرد: «صدام شایعه کرده من مرده‌ام. آدمم به او بگویم من از آن دنیا آمدم تا تو را با خودم ببرم!».

حاجی بخشی همه افتخاراتش را مدیون فعالیت‌هایش

در ایام دفاع مقدس و بعد از آن بود. یعنی حتی وقتی که کاخ سفید تهدیدات لفظی‌اش علیه ایران را تشدید ساخت و دولت بوش هم، امکان حمله نظامی علیه ایران را رد نکرد حاجی بخشی باز هم بیرقش را به دست گرفت و سر بندش را بر پیشانی بست و فریاد زد: «بگذارید آقای بوش این را بدانند... اگر حمله کنید، ما از زمین و آسمان به آنها

حمله می‌کنیم مردمانی مثل من و ۲۰ میلیون داوطلب دیگر هستند که آماده بستن بمب به خودشان می‌باشند یا با قایق‌های تندرو به سوی کشتی‌های آمریکایی‌ها می‌روند».

اینک حاجی بخشی که چندی قبل سگته مغزی کرد و به کما رفت، دل از زمین کنده و پیش هم‌زمان شهیدش رفته است. باشد که در جوار رحمت حق آرام گیرد.



بیرق به دست با آن ریش‌های سفید و انبوهش، تصاویر دوران کودکی‌ام از مردی است که نامش با روزهای دفاع و جبهه و خاکریزها پیوند خورده است. پیشانی بندش را بعد از پایان جنگ تحمیلی باز نکرد و در تجمعات مختلفی که

در محکوم کردن خوی استکباری دولت‌های غربی برگزار می‌شد، در صف اول قرار داشت.

نامش حاج ذبیح‌الله بخشی است اما همه او را به اسم حاجی بخشی می‌شناختند. متولد ۱۳۱۲ بود و با این که زخم خورده جنگ جهانی دوم بود پدرش توسط نیروهای متفقین کشته شد؛ اما وقتی جنگ نیروهای بعثی علیه کشورمان

شکل گرفت، میانسالی‌اش مانع از آن نشد تا نشستن در شهر و حضور در پشت جبهه‌ها را انتخاب کند برای همین راهی خاکریزها شد. موقعی که جنگ به پایان رسید دو پسر و یک دامادش را در آن آستان جا گذاشت. حضور پرروحیه‌اش در جبهه باعث شد تا وقتی که یک بار مجروح شده و شایعه شهادت او مطرح شد، هم‌زمانش روحیه خود را برای مدتی